

## اختیارات و تعهدات پلیس در کنترل خشونت‌های ناشی از اجتماعات: مطالعه تطبیقی حقوق ایران و قواعد حقوق بین الملل بشر

### چکیده

آزادی اجتماعات یکی از حقوق مهم بشری انسانهاست که در مطالبه و تحقق دیگر حقوق بشری نیز نقشی جدی ایفاء می‌کند. در بسیاری از موارد، این تجمعات، برای اظهار اعتراض شرکت کنندگان به سیاستهای دولت‌ها برگزار می‌گردد. برگزاری مسالمت آمیز تجمعات و نقش مهمی که پلیس و دیگر نیروهای امنیتی در تامین آن بر عهده دارند، از جمله موضوعات مهمی است که بررسی آن واجد اهمیت می‌باشد. در مواردی ممکن است برخی از شرکت کنندگان در تجمعات مسالمت آمیز به خشونت روی آورند و پلیس برای تامین نظم و امنیت ناچار شود از زور استفاده کند. سوال اساسی این مقاله آن است که اختیارات و تعهدات دولت‌ها بویژه در زمینه توسل به زور جهت کنترل تجمعات مسالمت آمیز چیست؟ روش بررسی این پژوهش، تحلیلی - توصیفی می‌باشد و شیوه‌ی گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است. نتیجه‌ی این پژوهش نشان می‌دهد که مقررات داخلی ایران به صورت کلی منطبق با موازین حقوق بشر می‌باشد اما در مواردی نیز تعارض میان این مقررات وجود دارد. در « قانون به کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح»، به نظر می‌رسد که پلیس جهت کنترل برگزاری تجمعات غیرقانونی، در صورت موثر نشدن دیگر وسایل، از سلاح نیز استفاده کند اما در نظام حقوق بشر، تنها در موارد دفاع مشروع پلیس از خود و یا دیگران می‌توان به زور متوسل شد.

**کلید واژگان:** اجتماعات مسالمت آمیز، آزادی اجتماعات، حق حیات، منع شکنجه، پلیس.

## مقدمه

آزادی اجتماعات در تمامی طیف‌ها و شیوه‌های شکل‌گیری آن از مهمترین حقوق بشری شناخته می‌شود که هرچند ماهیتی از نسل اول حقوق بشر یعنی حقوق مدنی و سیاسی دارد، اغلب زمینه ساز مطالبه و پیگیری حقوق مندرج در نسل‌های دوم و سوم حقوق بشر (حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و حقوق همبستگی) می‌گردد و بدین تفسیر ارزشی چندگانه در نظام حقوق بشر ایفاء می‌نماید. بدین معنا که خود حقی است که زمینه ساز مطالبه و تحقق حقوق دیگر می‌گردد.

اعلامیه جهانی حقوق بشر برای نخستین بار آزادی اجتماعات را به عنوان حق بشری به رسمیت شناخت. پس از اعلامیه جهانی حقوق بشر حق بر آزادی اجتماعات به صورت جداگانه از حق آزادی تشکیلات توسط میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به رسمیت شناخته شد. این حق توسط اسناد منطقه‌ای حقوق بشر همچون اعلامیه امریکایی حقوق و وظایف انسان، کنوانسیون امریکایی حقوق بشر، منشور اجتماعی اروپا و کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین و منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها مورد توجه قرار گرفته و به رسمیت شناخته شده است.<sup>۱</sup>

در این مقاله به بررسی شرایط و مقدمات برگزاری اجتماعات، عدم لزوم اخذ مجوز (تنها اطلاع قبلی) و سایر مباحث مربوط به وظایف پلیس قبل از برگزاری تجمع نمی‌پردازیم بلکه تنها بر اختیارات و تعهدات پلیس در کنترل خشونت‌های ناشی از تجمعات تمرکز می‌کنیم. پلیس به عنوان اولین و مهمترین نیروی دولتی است که در مقابله با شورش‌های ناشی از برگزاری اجتماعات، نقشی بسیار جدی را ایفاء می‌نماید. البته منظور از پلیس در این خصوص صرفاً نیروهایی که به عنوان پلیس شناخته می‌شوند نیست و شامل تمامی نیروهای نظامی دولتی، نیروهای داوطلب و یا سایر نیروهایی که تحت نظر، با تحریک و یا با تأیید دولت‌ها با سطوح مختلفی از زور و یا اجبار فیزیکی اقدام می‌نمایند نیز می‌شود.

در تحقیق حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال هستیم که پلیس در چه زمان، با رعایت چه شرایطی و تا چه میزانی می‌تواند در مقابله با تظاهرات کنندگان از زور و خشونت بهره‌جوید؟ سؤالات فرعی نیز در این چارچوب مطرح می‌گردند مانند این مسأله که پلیس در شرایط استثنائی و خاص می‌تواند دست به سلب حق حیات تظاهرکنندگان بزند؟ و در صورت پاسخ مثبت به سؤال قبل چنین شرایطی که منتهی به سلب حیات می‌گردد می‌بایست به چه سطحی رسیده باشد؟

بررسی این پژوهش ناظر بر مقایسه تطبیقی قواعد حقوق بین‌الملل بشر با نظام حقوقی ایران است. فرضیه اصلی تحقیق حاضر بر این برداشت استوار است که مقررات داخلی ایران به صورت کلی منطبق با موازین حقوق بشر می‌باشد اما در مواردی نیز تعارض میان این مقررات وجود دارد. در «قانون به کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح»، به نظر می‌رسد که پلیس جهت کنترل برگزاری تجمعات غیرقانونی، در صورت موثر نشدن دیگر وسایل، از سلاح نیز استفاده کند اما در نظام حقوق بشر، تنها در موارد دفاع مشروع پلیس از خود و یا دیگران می‌توان به زور متوسل شد.

## ۱- تعریف اجتماعات مسالمت آمیز

<sup>۱</sup> رک: رضا اسلامی و محمد مهدی کمالوند، «چالش‌های آزادی اجتماعات در سیستم حقوقی ایران در پرتو نظام بین‌المللی حقوق بشر»، مجله حقوقی بین‌المللی ۳۱ (۱۳۹۳)، ۲۲۲-۱۸۷.

نظر به این واقعیت که اختیارات و تکالیف پلیس در مواجهه با خشونت‌ها در اجتماعات، برحسب ویژگی اولیه مسالمت آمیز بودن اجتماعات با مسلحانه بودن تجمع کنندگان متفاوت است لذا باید در ابتدا تعریفی از اجتماعات مسالمت آمیز داشته باشیم. بدیهی است اگر شرکت کنندگان در تجمع، مسلح باشند، آن تجمع ویژگی مسالمت آمیز بودن را از دست می‌دهد و از همان ابتدا پلیس موظف است نسبت به خلع سلاح و یا متفرق کردن آنها اقدام نماید اما اختیارات و تعهدات پلیس در برخورد با خشونت‌هایی که حین برگزاری اجتماعی مسالمت آمیز روی می‌دهد، اساساً متفاوت است.

مهمترین سند تفسیرکننده حق بر «اجتماعات مسالمت‌آمیز» (مندرج در ماده ۲۱ میثاق حقوق مدنی و سیاسی)، «نظریه عام شماره ۳۷» است که در ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۰ به تصویب کمیته حقوق بشر رسید.<sup>۲</sup> کمیته در این تفسیر عام بر این اعتقاد است که اصل بر مسالمت آمیز بودن تجمعات است.<sup>۳</sup> «بررسی این مسئله که آیا تجمع برگزار شده، مسالمت آمیز است یا نه را باید با توجه به این نکته بررسی کرد آیا خشونت از طرف شرکت کنندگان در تجمع آغاز شده است یا نه؟ اگر سوی ماموران دولتی و یا توسط اشخاص تحریک شده از سوی دولت، خشونت علیه تجمع‌کنندگان آغاز شود، ویژگی آن تجمع را به تجمع غیر مسالمت آمیز تبدیل نمی‌کند».<sup>۴</sup> در هر حال، این احتمال که ممکن است برگزاری یک تجمع مسالمت آمیز، واکنش متقابل و یا حتی خصمانه را از سوی برخی افراد در برداشته باشد، دلیل کافی برای ممنوع کردن و یا محدود کردن آن تجمع نخواهد بود.<sup>۵</sup>

همچنین این سوال مطرح شده است که اگر تعداد قابل توجهی از مشارکت کنندگان در یک تجمع، برای دفاع از خود، سلاح‌هایی همچون باتوم یا حمل نمایند، و در صورتی که ابتدائاً به اقدامات خشونت آمیز مبادرت نکنند و تنها در صورتی که به آنها حمله شود از خود دفاع نمایند، آیا باید آن تجمع را مسالمت آمیز محسوب کرد یا خیر؟ در پاسخ، عموماً گفته شده است که چنین تجمعی را باید علی‌الاصول مسالمت آمیز محسوب کرد مگر آنکه این سلاح‌ها آشکارا حمل شوند. همچنین حمل سلاح‌های سرد و گرم مانند چاقو و تفنگ، ویژگی مسالمت آمیز تجمع را از میان بر می‌دارد.<sup>۶</sup>

همچنین اگر بخش قابل توجهی از شرکت کنندگان در تجمع به خشونت متوسل نشوند و تنها «یک یا چند نفر از تجمع کنندگان به خشونت متوسل شوند؛ این اقدامات انفرادی باعث نخواهد شد تا تجمع را غیر مسالمت آمیز محسوب نماییم. حمل وسایل و ابزاری مانند ماسک گاز یا کلاه ایمنی لزوماً کافی نیست تا عمل تجمع کنندگان را اقدامی خشونت آمیز تفسیر نماییم. بلکه این امر را باید مورد به مورد و با توجه به اوضاع و احوال هر قضیه، مورد بررسی قرار داد».<sup>۷</sup>

## ۲- همکاری پلیس در برگزاری تجمع با سازمان دهندگان/برگزارکنندگان تجمع

<sup>2</sup> - General comment No. 37 (2020) on the right of peaceful assembly (article 21): 17 September 2020. CCPR/C/GC/37

<sup>3</sup> - Ibid., para.17

<sup>4</sup> - Ibid, para.18

<sup>5</sup> - Ibid, para.27

<sup>6</sup> - Stuart Casey-Maslen, "Use of Force in Law Enforcement and the Right to Life: The Role of the Human Rights Council", Geneva Academy of International Humanitarian Law and Human Rights, November 2016, 18

<sup>7</sup> - Ibid, para.19

دولتها تعهد ایجابی دارند تا در برگزاری تجمعات مسالمت آمیز، تسهیلات لازم را فراهم آورند. نهادهای مجری قانون از جمله پلیس و مقامات باید تمام اقدامات منطقی را جهت ارتباط با سازمان دهندگان/یا شرکت کنندگان در تجمع از جمله در خصوص اقدامات پلیس در رابطه با هرگونه تدابیر ایمنی یا امنیتی انجام دهند.

مقامات دولتی، از جمله مجریان قانون، واقعاً باید تلاش کنند تا با سازمان دهندگان و/یا شرکت کنندگان تجمع در تعامل باشند و مدارک مربوط به این تعامل نیز قابل راستی آزمایی باشد. به این منظور همواره باید فردی توسط مقامات دولتی در وزارت مربوطه (مانند وزارت کشور) جهت برقراری تماس و تعامل با برگزارکنندگان تجمعات در دسترس باشد که به عنوان «مامور مرتبط» میان سازمانهای دولتی و برگزارکنندگان تجمع اقدام نماید.<sup>۸</sup> همچنین کمیته حقوق بشر در نظریه عام شماره ۳۷ تأکید کرده است که آموزشهای لازم به «مامور مرتبط» باید داده شود تا مهارت لازم جهت مدیریت اختلافات و مشکلات را داشته باشد. مضاف بر آنکه اگر برگزارکنندگان تجمع، گروهی را به عنوان انتظامات تعیین کرده باشند، نیروهای پلیس در کنترل بی نظمی باید با این اشخاص همکاری کنند. اما برگزارکنندگان الزامی به تعیین انتظامات ندارند.<sup>۹</sup>

در نظریه عام شماره ۳۷ بر این موضوع تأکید شده است که پلیس نباید از «اقدامات پیش گیرانه تهاجمی»<sup>۱۰</sup> در زمان برگزاری تجمع استفاده نماید. پلیس نباید مانع کسانی شود که در مسیر پیوستن به تجمع هستند. شرکت کنندگان نباید تفتیش یا دستگیر شوند، مگر اینکه دلیل مشخص و بارزی مبنی بر وجود خطر «خشونت قریب الوقوع»<sup>۱۱</sup> داشته باشد.<sup>۱۲</sup>

همچنین پلیس و نیروهای امنیتی موظف هستند تا حقوق شرکت کنندگان در تهاجم را رعایت کرده و بدان احترام گذارند. همچنین حقوق ناظران و عابران نیز باید رعایت گردد.

### ۳-دامنه اختیار پلیس در توسل به زور در اسناد نرم حقوق بشری جهت کنترل تجمعات خشونت آمیز

نکته بسیار مهم در تأمین امنیت شرکت کنندگان در یک تجمع مسالمت آمیز، موضوع چگونگی پراکنده کردن جمعیت در مواردی است که این تجمع به خشونت گراییده است. برای پراکنده کردن معترضان، دستورالعملهای جامعی با رعایت موازین و اصول حقوق بین الملل بشر، ایجاد شده است. در این دستورالعملها، جزییات مربوط به اینکه در چه زمان و تحت چه شرایطی باید اقدام به پراکنده کردن تجمعات کرد، مشخص شده است. کمیته حقوق بشر در نظریه عام شماره ۳۷ بر این نکته تأکید دارد که مقام دستور دهنده برای پراکنده کردن تجمع کنندگان باید از قبل معین شده باشد و این مقررات باید به صورت عمومی منتشر گردد تا همگان از آن مطلع گردند.<sup>۱۳</sup>

<sup>8</sup> - General Comment no. 37, para.49

<sup>9</sup> - General Comment no. 37, para.11

<sup>10</sup> - Intrusive anticipatory measures

<sup>11</sup> - imminent violence.

<sup>12</sup> - General Comment no. 37, para.49

<sup>13</sup> - General Comment no. 37, para.67

شورای حقوق بشر در قطعنامه مهمی که در سال ۲۰۱۴ صادر نمود، خاطرنشان کرد: «از زور تنها برای دفع تهدیدات قریب الوقوع علیه حیات انسانها باید استفاده کرد نه آنکه صرفاً برای پراکنده کردن شرکت کنندگان در تجمع از زور استفاده شود»<sup>۱۴</sup>.

قواعد ناظر بر توسل به زور از سوی پلیس و نهادهای حافظ نظم، که عمدتاً ناشی از عرف و اصول کلی حقوقی است را در ابتدا در دو سند ذیل باید جستجو کرد:

۱- «قواعد رفتاری نیروهای حافظ نظم»<sup>۱۵</sup> مصوب ۱۹۷۹

۲- «اصول بنیادین ناظر بر توسل به زور توسط پلیس و نیروهای حافظ نظم»<sup>۱۶</sup> مصوب ۱۹۹۰

هر دو سند فوق الذکر تحت نظارت «کنگره مبارزه با جرائم ملل متحد» تصویب شده اند که هر پنج سال یکبار با حمایت «دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرائم ملل متحد» با حضور سیاستگذاران و افسران مبارزه با جرائم و مواد مخدر در وین برگزار می‌گردد.<sup>۱۷</sup>

دیوان اروپایی و آمریکایی حقوق بشر در چندین رای خود به اسناد مذکور بویژه سند سال ۱۹۹۰ به عنوان قواعدی الزام آور اشاره کرده اند که پلیس در موارد توسل به زور باید آنها را در نظر داشته باشد. کمیته حقوق بشر نیز در تازه‌ترین تفسیر عمومی خود در مورد ماده ۶ میثاق (حق حیات) بر لزوم رعایت مفاد اسناد مذکور در عملیاتیهای نیروهای پلیس تاکید کرده است.<sup>۱۸</sup>

به صورت کلی سه اصل بر توسل به زور توسط نیروهای دولتی و امنیتی حاکم است، این سه اصل عبارتند از: ضرورت، تناسب و احتیاط.<sup>۱۹</sup> البته این وفاق نظر وجود دارد که این هنجارها به عنوان اصول کلی برای تمامی دولت‌ها الزام آور است.<sup>۲۰</sup> مؤلفه‌های ضرورت و تناسب محدودیت‌هایی را برای زمان و چگونگی استفاده قانونی و مشروع از زور توسط پلیس ایجاد نمایند. مقامات مجری قانون باید از هر دو اصل پیروی کنند و عدم رعایت هر یک از این اصول به معنای نقض حقوق بشری افراد است.

<sup>14</sup> - A/RES/25/38, OP10.

<sup>15</sup> -The 1979 Code of Conduct for Law Enforcement Officials was adopted by UN General Assembly Resolution 34/169 of 17 December 1979.

<sup>16</sup> - The Basic Principles were adopted by the Eighth UN Congress on the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders, Havana, 27 August to 7 September 1990.

این سند نیز طی قطعنامه شماره ۱۶۶/۴۵ در تاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۹۰ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید و به همراه سند سال ۱۹۷۹ به عنوان «حقوق نرم» ناظر بر مقررات توسل به زور از سوی پلیس شناخته می‌شوند زیرا مجمع عمومی از دولتها تقاضا کرده است تا اصول و قواعد مندرج در این اسناد را رعایت نمایند.

<sup>17</sup> - Stuart Casey-Maslen, "Use of Force in Law Enforcement and the Right to Life: The Role of the Human Rights Council", Geneva Academy of International Humanitarian Law and Human Rights, November 2016, p.5

<sup>18</sup> - CCPR/C/GC/36, General comment No. 36 (2018) on article 6 of the International Covenant on Civil and Political Rights, on the right to life, para.13

<sup>19</sup> See: e.g., Report of the Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions, Christof Heyns, A/HRC/26/36, 1 April 2014, §§59-73.

<sup>20</sup> S. Casey-Maslen and S. Connolly, Police Use of Force under International Law, Cambridge University Press, forthcoming (2017), Ch. III.

اصل احتیاط باید توسط مقامات مافوق پلیس اعمال شود. محتوای این اصل از دولت‌ها می‌خواهد که اطمینان حاصل کنند که عملیات اجرای قانون به گونه‌ای برنامه ریزی و اجرا شود که خطر آسیب به شهروندان را به حداقل برساند.<sup>۲۱</sup>

اصولاً رویکرد پلیس در تجمعات باید مبتنی بر اتخاذ تاکتیک‌های تنش‌زدایی از جمله بر اساس ارتباط، مذاکره و تعامل باشد. بر همین اساس نیروهای پلیس هم باید به صورت نظری (در کلاسهای درس) و هم باید در عرصه عملی (در برگزاری مانورهای تجمعات مسالمت آمیز و اعمال ناگهانی خشونت از سوی تجمع‌کنندگان) آموزش دریافت نمایند.<sup>۲۲</sup>

سه اصل حاکم را در اینجا به اختصار توضیح می‌دهیم.

#### ۴- اصول حاکم در توسل به زور توسط پلیس و نیروهای امنیتی

در این قسمت اصول حاکم در توسل به زور توسط پلیس و نیروهای امنیتی در حفظ نظم و کنترل خشونت‌ها در تجمعات مسالمت آمیز را بررسی می‌کنیم.

##### ۱-۴- اصل ضرورت

مبتنی بر اصل ضرورت، نیرویی که برای اجرای قانون استفاده می‌شود باید در شرایط موجود ضروری باشد. ماده ۳ دستورالعمل رفتار ۱۹۷۹ تصریح می‌کند که مقامات مجری قانون، مجاز به کاربرد زور «فقط در مواقع ضروری» هستند و هرگونه استفاده از زور توسط مقامات مجری قانون باید در شرایط «استثنایی» صورت گیرد. بر این اساس، بسیاری از موارد توسل به زور، مشروع نخواهد بود و باید از ابزارهای غیرخشونت آمیز برای حفظ نظم استفاده کرد. ابزارهای غیرخشونت آمیز شامل متقاعدسازی، مذاکره و میانجیگری است که توسط مقامی صلاحیتدار که به نمایندگی از حکومت عمل می‌کند به کار گرفته شود.<sup>۲۳</sup>

همچنین بر مبنای اصل ضرورت هر استفاده از زور، صرفنظر از ماهیت و میزان آن، باید برای هدفی مشروع به کار رود. همانطور که ماده ۳ سند سال ۱۹۷۹ تصریح می‌کند، مأموران انتظامی فقط در حدی که برای انجام وظیفه خود لازم است می‌توانند از زور استفاده کنند. مقامات مجری قانون می‌توانند از محدودترین میزان زور بهره ببرند «آنگونه که در شرایط معقول لازم است» و از توسل بیش از حد به زور خودداری نمایند. دستورالعمل اروپایی اخلاق پلیس شورای اروپا در سال ۲۰۰۱ به طور مشابه تصریح می‌کند که پلیس می‌تواند «فقط تا حدی که برای دستیابی به یک هدف مشروع لازم است» از زور استفاده کند.<sup>۲۴</sup>

در موردی که استفاده از زور برای پراکنده کردن مردم و کنترل تجمعات غیرمسالمت آمیز، ضروری می‌نماید. از سلاح گرم تنها در موردی می‌توان استفاده کرد که ثابت شود بهره‌گیری از دیگر ابزارهای کمتر خطرناک، ثابت شود که غیرموثر است و

<sup>21</sup> Use of Force in Law Enforcement and the Right to Life: The Role of the Human Rights Council, Geneva Academy of International Humanitarian Law and Human Rights, Geneva, ۲۰۱۶, pp 5-7.

<sup>22</sup> - Ibid.

<sup>23</sup> ECHR, Shchiborshch and Kuzmina v Russia, First Section, Judgment, 16 January 2014 (as rendered final on 2 June 2014).

<sup>24</sup> - European Code of Police Ethics, adopted by the Committee of Ministers of the Council of Europe on 19 September 2001, 37, <http://polis.osce.org/library/f/2687/500/CoE-FRA-RPT-2687-EN-500>.

تهدید قریب الوقوعی علیه جان و یا آسیب جدی وجود داشته باشد. «آتش گشودن بی هدف بر روی معترضان، شیوه مشروع و قابل قبول برای پراکنده کردن جمعیت نیست»<sup>۲۵</sup>.

پلیس باید عالی ترین توجه را به حفاظت و پاسداری از حق حیات، مبذول دارد. این قاعده و اصل، آثار قابل توجهی بر استفاده از توسل به زور توسط پلیس دارد. در مواردی ممکن است استفاده از زور، تنها راه ممکن برای جلوگیری از ارتکاب جرم باشد. در عین حال، باید پلیس این امر را در نظر داشته باشد که توسل به زور، آخرین اقدام و عملی استثنایی برای تامین نظم باید باشد. توسل به زور باید متناسب با تهدید انجام شده و تنها به میزانی مورد استفاده قرار گیرد که برای تامین هدف مورد نظر (جلوگیری از مرگ و یا آسیب جسمانی شدید)، ضرورت داشته باشد<sup>۲۶</sup>. ماموران پلیس و مراجع حفظ امنیت از سلاح گرم و نیروی کشنده علیه افراد تنها در شرایط استثنایی حق دارند استفاده کنند:

الف: دفاع مشروع قانونی از خود و یا دیگران در برابر تهدید قریب الوقوع مرگ و یا آسیب جدی به اشخاص

ب: ممانعت از تمهید اقدامات معطوف به ارتکاب جرایم حاوی تهدید جدی علیه حیات

ج: جهت بازداشت فردی که مسبب ایجاد تهدیدات فوق الذکر است و یا در حال فرار است.

آن هم در صورتی که استفاده از ابزار کمتر کشنده، امکان پذیر است.

اگر شرایط فوق الذکر، وجود داشت و استفاده از سلاح گرم لازم شد، مامور مربوطه باید ضمن آشکار کردن اسلحه، فرد مورد هدف را تهدید کند که از سلاح استفاده خواهد کرد و فرصتی معقول به آن شخص داده شد تا به قانون تمکین کند مگر آنکه ارائه فرصت با توجه به تهدید قریب الوقوع علیه جان دیگران، معقول نباشد<sup>۲۷</sup>.

کمیته حقوق بشر نیز در نظریه عام شماره ۳۷ خاطر نشان می‌سازد که استفاده از زور باید آخرین ابزار ضروری برای حفظ نظم از سوی پلیس باشد و در هر حال، ماموران پلیس باید با رعایت مواد ۶ و ۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، اصول اساسی قانونی بودن، ضرورت، تناسب و منع تبعیض را رعایت کنند. همچنین هریک از ماموران پلیس که از زور استفاده می‌کنند باید در خصوص یکایک موارد توسل به زور مسئول شناخته شوند که آیا اصول فوق الذکر را رعایت کرده‌اند یا خیر؟<sup>۲۸</sup>.

اصولا گفته می‌شود که ماموران پلیس تنها در فرض دفاع مشروع، حق دارند تا از زور استفاده نمایند. جهت تحقق شرایط لازم دفاع مشروع در برابر تهدید شخص متهم، لازم نیست که او حامل اسلحه گرم باشد بلکه استفاده از چاقو، میله آهنی یا حتی

<sup>25</sup> - Ibid, p.85.

<sup>26</sup> - Ibid, p.85.

<sup>27</sup> - Ibid, pp.85-86.

<sup>28</sup> - General Comment no. 37, para.67

چوب بیسبال، راندگی با ماشین با هدف صدمه زدن به پلیس یا دیگر اشخاص، می‌تواند تهدیدی کافی محسوب شود.<sup>۲۹</sup> همچنین اقدام متهم به تجاوز به عنف می‌تواند تهدید کافی تلقی گردد.<sup>۳۰</sup>

اصولاً توصیه میشود که از سلاحهای غیرکشنده در مهار خشونتها استفاده شود. «سلاح غیرکشنده»<sup>۳۱</sup>، سلاحی است که برای ناتوان سازی هدف حمله مورد استفاده قرار می‌گیرد به جای آنکه او را به قتل رساند و یا آسیب شدید جسمی به وی وارد سازد. البته گروهی معتقدند که ممکن است در موارد خاصی، استفاده زیاد یا غیرمتعارف از این نوع سلاحها نیز به قتل و یا آسیب شدید جسمی به افراد منجر شود لذا ترجیح داده اند از واژه «کمتر کشنده»<sup>۳۲</sup> به جای غیرکشنده استفاده نمایند.

سلاحهای کمتر کشنده شامل طیف گسترده ای از سلاح ها می‌شوند. این سلاحها شامل باتوم های سنتی پلیس، اسپری فلفل، گاز اشک آور، سلاح های الکتریکی هدایت شونده، گلوله های لاستیکی و پلاستیکی و ماشین های آب پاش می‌شوند.<sup>۳۳</sup>

در حال حاضر مبتنی بر حقوق عرفی دولت ها متعهد هستند تا تضمین نمایند که اعمال زور مشروع و قانونی به شیوه ای تبعیض آمیز نباشد و یا علیه فردی که هیچ مقاومتی نشان نمی‌دهد، اعمال نشود. در هر شرایطی، زمانی که نیاز به اقدام خشونت‌آمیز بیشتر برطرف شد (مثلاً زمانی که یک مظنون به طور ایمن و قانونی بازداشت می‌شود)، اعمال زور باید متوقف شود. اعمال تبعیض آمیز، برای مثال علیه اقلیت‌ها، «در اصل خودسرانه» و در نتیجه نقض تعهدات بین‌المللی دولت هاست. بدیهی است که اشکال غیرقانونی دستگیری یا بازداشت، از مصادیق اجرای قانون محسوب نمی‌گردد و خود از مصادیق کاربرد خودسرانه و نامشروع زور است.<sup>۳۴</sup>

همچنین رعایت اصل ضرورت متضمن آن است که حتی در مواقعی که نیاز به اعمال میزانی از زور وجود دارد، نباید از حداقل متعارف و مشروع که در شرایط مربوطه ضروری است، تجاوز شود.<sup>۳۵</sup> حتی مظنونان بالقوه به ارتکاب اقدامات خشونت‌آمیز نیز باید به جای اینکه موضوع اقدامات خشونت آمیز و یا سالب حیات قرار بگیرند، با رعایت الزامات قانونی مشروع و بدون تحمیل هر گونه زور بیش از حد، دستگیر و به مقامات قانونی معرفی شوند.<sup>۳۶</sup> و همچنین زور مورد استفاده باید متناسب با سطح مقاومتی باشد که متهم بروز داده است.<sup>۳۷</sup> کمیته حقوق بشر ملل متحد نیز بر این موضوع صحنه گذارده است، در پرونده خانم ماریا فانی سوارز د گوئرو علیه کلمبیا هنگامی که افسران مجری قانون به جای دستگیری گروهی از مظنونان تروریستی، آنها را به ضرب گلوله کشتند، حق حیات را نقض نموده بودند. خشونت نسبت به قربانیان بدون دادن هیچ فرصتی به آنها برای تسلیم

<sup>29</sup> - Stuart Casey-Maslen, Use of Force 12.

<sup>30</sup> -Ibid.

<sup>31</sup> - Non-lethal weapons

<sup>32</sup> - less-lethal weapons

<sup>33</sup> - Stuart Casey-Maslen, Use of Force 14.

<sup>34</sup> See: HRC/RES/31/37, OP2, Human Rights Committee, General Comment no 35 on Article 9 (Liberty and security of person), CCPR/C/GC/35, 16 December 2014, 17.

<sup>35</sup> See: Commentary (a) on Art. 3, 1979 Code of Conduct; and Report of the Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions, Christof Heyns, A/HRC/26/36, 1 April 2014, §59.

<sup>36</sup> N. S. Rodley, 'Integrity of the Person', in D. Moeckli et al (eds), International Human Rights Law, Oxford University Press (OUP), 2010, 223.

<sup>37</sup> IACtHR, Nadege Dorzema et al v Dominican Republic, Judgment (Merits, Reparations and Costs), 24 October 2012, §85(iii). See also N. S. Rodley with M. Pollard, The Treatment of Prisoners under International Law, 3rd edn, OUP, 2011, 499.



شدن به گشت پلیس یا ارائه هیچ توضیحی در مورد حضور یا قصد خود بوده است. هیچ مدرکی مبنی بر اینکه اقدام پلیس برای دفاع از خود یا دیگران ضروری بوده یا برای دستگیری یا جلوگیری از فرار افراد مربوطه ضروری بوده است وجود ندارد.<sup>۳۸</sup>

این موضوع در پرونده‌های مختلفی در دیوان اروپایی حقوق بشر مورد بررسی و تأکید قرار گرفته است برای نمونه در پرونده بویاد برعلیه بلژیک دیوان در تحلیل خود بیان داشت: در رابطه با شخصی که با مأموران مجری قانون مواجه می‌شود، هرگونه توسل به زور فیزیکی که کرامت انسانی را کاهش می‌دهد در اصل، نقض حق آزادی و منع شکنجه و رفتار غیرانسانی یا تحقیرآمیز محسوب می‌گردد. در نتیجه، هر استفاده از زور باید توجیه‌پذیر، مشروع و حداقلی باشد. در هر حال، وقتی نیاز به زور تمام می‌شود، استفاده از زور سریعاً می‌بایست متوقف گردد.<sup>۳۹</sup>

## ۲-۴- اصل تناسب

معمولاً استنباط صحیحی از مفهوم اصل تناسب در توسل به زور وجود ندارد. گاهی اوقات، این اصل، با تعهد به استفاده از حداقل نیروی لازم (که بخشی از اصل ضرورت است) اشتباه گرفته می‌شود یا به اشتباه در این چارچوب تعبیر می‌شود که یک مقام مجری قانون فقط حق استفاده از همان سطح و نوع خشونت را دارد که مظنون یا مجرم به آن متوسل می‌گردد. در واقع، تناسب «حداکثر نیرویی را مشخص می‌نماید که ممکن است برای دستیابی به یک هدف مشروع خاص مورد استفاده واقع شود».<sup>۴۰</sup> همانطور که ماده ۳ دستورالعمل مصوب ۱۹۷۹ شورای اروپا تصریح می‌کند: در هیچ موردی این ماده نباید به گونه‌ای تفسیر شود که استفاده از زور نامتناسب با هدف مشروع را مجاز سازد.<sup>۴۱</sup>

تناسب زمانی مطرح می‌شود که اصل ضرورت رعایت شده باشد، اما ممکن است در فرضی هرچند که به مفاد اصل ضرورت عمل شده است، اما مفاد اصل تناسب به دلیل میزان زور اعمال شده، رعایت نشده باشد. همانطور که ماده ۵ اصول اساسی استفاده از اسلحه و سلاح‌های گرم مصوب ۱۹۹۰ بیان می‌دارد: «هرگاه استفاده قانونی از زور و سلاح گرم اجتناب‌ناپذیر باشد، مأموران مجری قانون باید ... متناسب با جدیت جرم و هدف مشروعی که باید به آن دست یابند، اقدام کنند.»<sup>۴۲</sup> مثلاً یک نمونه از موارد استفاده نامناسب از زور، استفاده از سلاح گرم برای ممانعت از فرار یک دزد غیرمسلح می‌باشد. در همین راستا دیوان اروپایی حقوق بشر اعلام کرده است، مظنونی که در حال فرار است و تهدیدی برای زندگی نیست نباید مورد شلیک گلوله قرار گیرد «حتی اگر عدم استفاده از نیروی کشنده منجر به از دست رفتن فرصت دستگیری و ممانعت از فرار او شود».<sup>۴۳</sup> بر اساس ماده ۵ اصول اساسی استفاده از اسلحه و سلاح‌های گرم مصوب ۱۹۹۰، هر زمان که استفاده قانونی از زور و سلاح گرم اجتناب‌ناپذیر باشد، مقامات مجری قانون باید «آسیب و جراحت را به حداقل برسانند» و «به جان انسان‌ها احترام بگذارند و از آن

<sup>38</sup> HRCttee, Suarez de Guerrero v Colombia, Views, Comm no R.11/45, 9 April 1981, Supp No. 40 (A/37/40) at 137 (1982).

<sup>39</sup> ECtHR, Bouyid v Belgium, Grand Chamber, Judgment, 28 September 2015, 88-100.

<sup>40</sup> Report of the Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions, Christof Heyns, A/HRC/26/36, 1 April 2014, 66. Its meaning is therefore to be distinguished and differs from the notion of proportionality in other branches of international law, such as jus ad bellum or international humanitarian law.

<sup>41</sup> Commentary (b) on Art 3, 1979 Code of Conduct.

<sup>42</sup> Basic Principles on the Use of Force and Firearms by Law Enforcement Officials, Adopted by the Eighth United Nations Congress on the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders, Havana, Cuba, 27 August to 7 September 1990.

<sup>43</sup> ECtHR, Nachova v Bulgaria, Grand Chamber, Judgment, 6 July 2005, §95.

محافظت نمایند». از برخی دولتها مانند ترکیه انتقاد شده است که براساس قانون سال ۲۰۱۵ به پلیس اجازه استفاده از سلاح کشنده جهت جلوگیری از تخریب اموال توسط تظاهرکنندگان را داده است.<sup>۴۴</sup> همچنین کمیته حقوق بشر از فرانسه در مورد کنترل تجمعات خشونت آمیز سال ۲۰۱۵ انتقاد کرده است که پلیس از زور به صورت نامتناسب استفاده شده است.<sup>۴۵</sup>

کمیته حقوق بشر در نظریه عام شماره ۳۷ بر این نکته تاکید کرده است که حتی در زمان مخاصمات مسلحانه نیز اگر تجمع مسالمت آمیزی برگزار شود، همچنان نیروی پلیس باید مقام کنترل کننده تجمع باشد و کماکان مقررات میثاق حقوق مدنی و سیاسی اعمال خواهد شد. تمامی شرکت کنندگان در تجمعات مسالمت آمیز در دوران مخاصمات مسلحانه و حتی در سرزمینهای اشغالی، از حمایتهای مندرج در میثاق برخوردار خواهند شد و جز در موردی که شرکت کنندگان در تجمع به خشونت مبادرت نورزند، نباید علیه آنها به زور متوسل شود و حتی در فرض اخیر نیز، اصل تناسب در برخورد با شرکت کنندگان مسلح نیز باید رعایت گردد.<sup>۴۶</sup>

### ۳-۴- اصل احتیاط

اصل احتیاط، سومین اصل اساسی است اما در عین حال، آن را باید مقدمه‌ی اعمال اصول ضرورت و تناسب دانست. به این معنا که به موجب اصل احتیاط، مقامات موظفند عملیات اجرای قانون را به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که خطر کشته یا زخمی شدن هر انسانی توسط سازمان‌های مجری قانون و مقامات آن به حداقل برسد.

در نظام حقوق داخلی باید چارچوبی برای استفاده از زور بویژه استفاده از زور کشنده طراحی گردد و به ماموران پلیس آموزش داده شود. این قواعد باید با موازین حقوق بین الملل بشر منطبق باشد. مقامات دولتی باید تجهیزات لازم را در اختیار نیروهای پلیس جهت حفظ امنیت تجمعات قرار دهند و حتی الامکان از توسل به زور استفاده نشود. آموزشهای لازم به نیروهای پلیس باید داده شود که تا حد امکان از زور استفاده نکنند.<sup>۴۷</sup>

همانطور که گزارشگر ویژه در مورد اعدام‌های غیرقانونی، سریع یا خودسرانه نوشته است: «زمانی که موقعیتی پیش می‌آید که در آن استفاده از زور مورد توجه قرار می‌گیرد، اغلب برای نجات این وضعیت خیلی دیر است. در عوض، برای نجات جان انسان‌ها، تمام اقدامات ممکن باید توسط مقامات «بالادست» انجام شود تا از موقعیت‌هایی که تصمیم در مورد کشیدن ماشه گرفته می‌شود، اجتناب شود، یا اطمینان حاصل شود که تمام اقدامات ممکن برای اطمینان از اینکه اگر چنین اتفاقی بیفتد، آسیب به حداقل ممکن برسد، صورت پذیرد.»<sup>۴۸</sup>

اصل احتیاط برای اولین بار توسط دیوان اروپایی حقوق بشر در رای سال ۱۹۹۵ خود در پرونده مک کان اعلام شد. دادگاه اعلام کرد که «باید به دقت بررسی شود که ... نه تنها اینکه آیا نیروی استفاده شده توسط سربازان کاملاً متناسب با هدف محافظت از افراد در برابر خشونت غیرقانونی است، بلکه باید بررسی شود در عملیات ضد تروریستی، مقامات برنامه ریزی و

<sup>44</sup> - Committee Against Torture, Concluding observations on the fourth periodic reports of Turkey, CAT/C/TUR/CO/4, 2 June 2016, §15.

<sup>45</sup> - HRCtee, Concluding observations on the fifth periodic report of France, CCPR/C/FRA/CO/5, 17 August 2015, 15.

<sup>46</sup> - General Comment no. 37, para.97

<sup>47</sup> - Ibid, para.79

<sup>48</sup> Report of the Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions, Christof Heyns, A/HRC/26/36, 1 April 2014, §63.

کنترل لازم را انجام دهند تا توسل به زور مرگبار تا حد ممکن به حداقل برسد یا خیر».<sup>۴۹</sup> به همین ترتیب، دادگاه بین آمریکایی حقوق بشر اعلام کرده است که تناسب «به برنامه ریزی اقدامات پیشگیرانه نیز مرتبط است، زیرا مستلزم ارزیابی معقول بودن استفاده از زور است. بنابراین، تحلیل دقیق حقایق مفید است تا مشخص شود... آیا می توان از تخلفات با اجرای اقدامات کم ضرر جلوگیری کرد...»<sup>۵۰</sup>

همچنین می توان با تجهیز مناسب نیروهای پلیس، با «تجهیزات دفاع شخصی مانند سپرها، کلاه ایمنی، جلیقه های ضد گلوله و وسایل حمل و نقل ضد گلوله» نیاز به استفاده از زور را از بین برد یا به حداقل رساند.<sup>۵۱</sup> عدم ارائه تجهیزات دفاعی مناسب به سازمان های مجری قانون و مقامات ممکن است به این معنی باشد که یک دولت وظیفه احتیاط خود را نقض کرده است. به خصوص زمانی که این امر به طور اجتناب ناپذیر یا قابل پیش بینی منجر به استفاده از بیش از حد از زور می شود.<sup>۵۲</sup>

در نظریه عام شماره ۳۷ نیز از دول عضو تقاضا شده است تا قبل از خریداری و استفاده از تجهیزات کمتر کشنده (مانند ماشین آب پاش) در تجمعات مسالمت آمیز، دولت باید این موضوع را در معرض ارزیابی مستقل و شفاف قرار دهد تا مطابقت استفاده از این ابزار با قواعد و موازین حقوق بین الملل بشر، مشخص گردد. بویژه باید این اطمینان حاصل شود که کمترین زیان و آسیب جسمی و روحی در نتیجه کاربرد این تجهیزات به افراد وارد خواهد شد. تجهیزات، از جمله سلاح های کم کشنده، تنها در صورتی باید تهیه می شود که به اندازه کافی ظرفیت آموزش افسران به طور مؤثر در استفاده صحیح از آن وجود داشته باشد.<sup>۵۳</sup>

قواعد و اصول راهنمای مشخص در مورد استفاده از تجهیزاتی مانند ماشین آب پاش و گاز اشک آور باید به نیروهای پلیس آموزش داده شود و این قواعد و موازین به صورت عمومی نیز منتشر گردد.<sup>۵۴</sup> از اینگونه سلاحهای کم کشنده باید تنها در صورت توسل جمعیت به خشونت و دفاع پلیس از خود، استفاده شود. دولت باید نظارت کند که پلیس از این سلاحها در موارد غیرمجاز استفاده نکند.<sup>۵۵</sup> همچنین کمیته حقوق بشر بر این نکته تاکید دارد که در کنترل تجمعات تحت هیچ شرایطی از سلاح گرم اتوماتیک استفاده نمی شود. سلاحهای اتومات گرم، سلاحهایی هستند که بر آنها نظارت معنادار انسانی اعمال نمی شود.<sup>۵۶</sup>

در واقع، افراد پلیس باید از تجهیزاتی مانند سپر، کلاه ایمنی، لباس های ضد حریق و جلیقه های ضد گلوله به منظور کاهش نیاز آنها به استفاده از هر نوع سلاح، مجهز شوند تا در صورت نیاز از خود در برابر خشونت معترضان دفاع نمایند. بنابراین دولت موظف است تا منابع لازم مادی جهت تامین و حفاظت از تجمعات را تامین کند و در این حوزه، هزینه کند.<sup>۵۷</sup>

## ۵- تحلیل قانون بکارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری

<sup>49</sup> ECtHR, McCann et al v UK, Grand Chamber, Judgment, 27 September 1995, §194.

<sup>50</sup> IAmCtHR, Nadege Dorzema et al v Dominican Republic, Judgment (Merits, Reparations, and Costs), 24 October 2012, §87.

<sup>51</sup> - 1990 Basic Principle 3.

<sup>52</sup> Use of Force in Law Enforcement and the Right to Life: The Role of the Human Rights Council, Geneva Academy of International Humanitarian Law and Human Rights, Geneva, 2016, pp 7-10.

<sup>53</sup> - General Comment no. 37, para.81

<sup>54</sup> Ibid, para.87

<sup>55</sup> Ibid

<sup>56</sup> Ibid, para.88

<sup>57</sup> - Guidelines on Freedom of Peaceful Assembly, Published by the OSCE Office for Democratic Institutions and Human Rights (ODIHR), 2010, Second Edition, p.84, para.172 see at: [www.osce.org/odihr](http://www.osce.org/odihr)

مهمترین قانون داخلی در زمینه توسل پلیس و سایر مأمورین مسلح در ایران قانون بکارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۱۸ مجلس شورای اسلامی می‌باشد. در اینجا مقررات مندرج در قانون بکارگیری سلاح توسط مأموران نیروهای مسلح در موارد ضروری را تنها در موارد برگزاری تجمعات و استفاده نیروهای مسلح از سلاح برای مهار خشونت‌ها و کنترل تجمع را بررسی می‌کنیم.

مهمترین و مرتبط‌ترین ماده قانون مذکور با موضوع اصلی مقاله حاضر ماده ۴ این قانون می‌باشد. منطبق با شروط مقرر در ماده مذکور بکارگیری سلاح توسط مأمورین در شرایطی مجاز است که اولاً قبلاً از وسایل دیگری مطابق مقررات استفاده شده و مؤثر واقع نشده باشد و ثانیاً قبل از بکارگیری سلاح با اخلاط‌گران و شورشیان نسبت به بکارگیری سلاح اتمام حجت شده باشد. هر چند مقررات و شروط مذکور تا حدود بسیار زیادی واجد ابهام می‌باشند لیکن تا حدود زیادی برآورده شرط تناسب می‌باشد. منطبق با شرط اول استفاده از سایر طرق قانونی و حداقلی در جهت حمایت از حقوق بشری و به خصوص حق حیات منطبق با ماده ۶ کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی مورد توجه قرار گرفته است و مطابق با قید دوم به اتمام حجت با شورشیان قبل از بکارگیری سلاح اشاره گردیده است که می‌توان آن را حمل بر هشدار اولیه به بکارگیری سلاح و در صورت عدم تأثیر، برهنه نمودن سلاح و نشان دادن آن و دادن مهلت زمانی مناسب به شخص یا اشخاص معترض مرتبط در جهت ترغیب ایشان به تمکین به قانون و سپس بکارگیری حداقلی آن با توجه به وظایف و مسئولیت‌های دولت در حفظ و حمایت از حقوق بشر، نمود.

منطبق با تبصره ۱ ماده ۴ تشخیص ناآرامی‌های موضوع ماده مذکور صرفاً بر عهده رئیس شورای تأمین استان و شهرستان که استاندار یا فرماندار و در غیاب ایشان معاون سیاسی استاندار یا فرماندار و در صورتی که فرماندار معاون سیاسی نداشته باشد بر عهده یکی از اعضای شورای تأمین نهاده است. این تبصره در تعارض کامل با شرط احتیاط قرار دارد چه آنکه شخصی که تجویز استفاده از سلاح را در ناآرامی‌ها می‌دهد ابتدائاً می‌بایست دانش حقوقی لازم (به خصوص در زمینه حقوق بشر و حقوق بین‌الملل) را داشته باشد و پس از بررسی لازم و انجام تحقیقات مقتضی نسبت به تجویز استفاده از سلاح اقدام نماید. به نظر می‌آید اصلاح تبصره مذکور با این قید که تأیید تجویز استفاده از سلاح توسط عضو قضائی لازم باشد، ضروری است.

تبصره دوم ماده ۴ واجد پیش‌بینی قانونی لازم جهت شمول مقررات قانون نسبت به تمامی نیروهای نظامی است که جهت اعاده نظم و امنیت موضوع ماده ۴ مأموریت می‌یابند. این مقررره موجب جلوگیری از سوء استفاده و یا خودسری نیروهای نظامی و شبه نظامی می‌شود که مسئول اولیه اجرای مقررات قانون بکارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری هستند و در جهت نشان دادن تعهد دولت به رعایت حقوق بشر در تجمعات اعتراض آمیز ارزشی شایان دارد.

ماده ۵ قانون بکارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری نیز در موضوع مقاله حاضر بسیار اهمیت دارد منطبق با ماده مذکور: *مأمورین نظامی و انتظامی برای اعاده نظم و امنیت در راهپیمائی‌های غیرقانونی مسلحانه و ناآرامی‌ها و شورش‌های مسلحانه مجازند از سلاح استفاده نمایند.* تجویز استفاده از سلاح به نیروهای مسلح بسیار مخاطره‌برانگیز است و قید شروط ضرورت و تناسب در بکارگیری سلاح توسط مأمورین نظامی در چنین تجمعاتی بسیار ضروری است، چه آنکه در بسیاری از موارد امکان دارد استفاده و بکارگیری سلاح صرفاً توسط تعداد معدودی از تجمع‌کنندگان و یا معترضین باشد حال استفاده از سلاح در چنین مواردی حق حیات سایر اشخاص را به مخاطره می‌اندازد و در تعارض کامل با تعهدات دولت می‌باشد. در برخی موارد هم امکان دارد که اشخاص صرفاً سلاح با خود به همراه داشته باشند و از آن هیچ‌گونه استفاده‌ای ننمایند و صرفاً با انجام

برخی اقدامات مسالمت آمیز بتوان ایشان را به تمکین از قانون وادار نمود. آنچه ذکر شد نشان می‌دهد که اصل احتیاط هم در نگارش و تصویب ماده فوق لحاظ نگردیده است و توسل تمامی امکانات جهت به حداقل رسانیدن کشته شدن انسان‌ها و حمایت از حق حیات ایشان در تجمعات و راهپیمایی‌ها مدنظر قرار نگرفته است.

## نتیجه گیری

حق بر تشکیل، ساماندهی و برگزاری تجمعات مسالمت آمیز از مهمترین حقوق جمعی بشر است که دولت‌ها علاوه بر تضمین حقوق شهروندان در استفاده از این حق از طریق قانون گذاری صحیح و مجازات قانون شکنان از طریق مقامات صالح قضائی، می‌بایست نیروهای اجرایی و به صورت خاص پلیس را در زمینه اجرای این حق بشری و حمایت از شهروندان در جهت بهره‌مندی حداکثری از آن آموزش داده و بدان پایبند نماید. دولت‌ها همچنین متعهد هستند تا تمام تلاش خود را به در زمینه قانون گذاری، اجرای قانون، آموزش و اقدامات قضائی به کار بندند تا سایر حقوق بشری افراد در تجمعات مسالمت آمیز و به صورت خاص حق حیات ایشان مورد حمایت حداکثری قرار گیرد و وضعیت‌هایی که در آن امکان از بین بردن، آسیب و یا تعدی به حق حیات اشخاص می‌گردد، به حداقل ممکن برسد، که آن حداقل نیز می‌بایست در تطابق با سایر تعهدات دولت‌ها در زمینه حمایت از حقوق بشر باشد.

یک رویکرد مبتنی بر حقوق بشر باید پایه و اساس تمام اقدامات، فعالیت‌ها و برنامه‌های پلیس، از جمله اقدامات پلیس در تجمعات عمومی را تشکیل دهد. این امر مستلزم شناخت این موضوع است که پلیس مسئولیت دارد اقدامات معقول و مناسبی را برای توانمند ساختن مردم برای استفاده از حقوق خود اتخاذ کند، زمانی که مردم به دنبال ایفای چنین حقوقی هستند نباید بی‌رویه مداخله کند، و همیشه باید به شیوه‌ای بی‌طرفانه عمل کند.<sup>۵۸</sup> بر این اساس تمام مداخلات پلیس و نیروهای امنیتی در تجمعات باید با رعایت سه اصل ضرورت، تناسب و احتیاط صورت پذیرد که اصل احتیاط به عنوان اصل بالادستی توسط دولت (به معنای اعم) از طرق قانون گذاری، نیازسنجی و آموزش اعمال و اصول تناسب و ضرورت در زمان تجمعات توسط نیروهای آموزش دیده پلیس و سایر نیروهای حاضر در تجمعات مورد رعایت قرار می‌گیرد.

مواد ۴ و ۵ قانون بکارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب سال ۱۳۷۳ مجلس شورای اسلامی، مهمترین مواد قانونی است که در زمینه حمایت از حقوق بشری افراد و به ویژه حق حیات ایشان در تجمعات مسالمت آمیز در ایران قابلیت کاربرد و استناد دارد. از مهمترین نقاط مثبت مواد مذکور می‌توان به تلاش قانون گذار به نظام مند کردن و محدود کردن حداکثری استفاده از سلاح در تجمعات مسالمت آمیز اشاره نمود و همچنین تلاش قانون گذار در رعایت شروط تناسب و ضرورت در به کارگیری اسلحه و مهمات از مهمترین نقاط عطف موجود در ماده ۴ قانون مذکور محسوب می‌گردد که بر اساس آن مأمورین مسلح صرفاً زمانی مجاز به استفاده از سلاح هستند که ضمن رعایت مواد دیگر قانون: *اولاً قبلاً از وسایل*

<sup>58</sup> Human Rights Handbook on Policing Assemblies, OSCE Office for Democratic Institutions and Human Rights (ODIHR) ul. Miodowa, Warsaw Poland, pp 13-14, ISBN ۵-۹۳۲-۹۲۳۴-۹۲-۹۷۸, www.osce.org/odihr.

دیگری مطابق مقررات استفاده شده و مؤثر واقع نشده باشد و ثانیاً قبل از بکارگیری سلاح با اخلاطگران و شورشیان نسبت به بکارگیری سلاح اتمام حجت شده باشد.

یکی از مهمترین نکات قابل تأمل در زمینه حمایت از حق حیات افراد در تجمعات مسالمت آمیز گذاردن اختیار در تشخیص نآرامی و استفاده از سلاح به یک شخص اعم از استاندار، فرماندار و هر یک از اعضای شورای تأمین بر خلاف مقتضیات اصل احتیاط می باشد.

تجویز مطلق استفاده از سلاح در راهپیمایی ها و تجمعات غیرمسالمت آمیز به نیروهای نظامی منطبق با ماده ۵ قانون بکارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری نیز بسیار تأمل برانگیز به نظر می رسد زیرا از یک سو تعریف درست و جامعی از راهپیمایی ها و تجمعات غیرمسالمت آمیز در قانون ارائه نشده است و قانون گذار تکلیف تجمعاتی که به تحریک نیروهای نظامی و یا دولتی به صورت غیرمسالمت آمیز در می آیند را مشخص ننموده است و از سوی دیگر هم به نظر می رسد صرفاً می بایست حق استفاده و کاربرد سلاح به نیروهای نظامی صرفاً در مقابل افراد مسلحی داده می شد که علیرغم تلاش و استفاده از طرق مسالمت آمیز سلاح خود را بر زمین نگذارده باشند و با هشدار به استفاده از سلاح نیز به خشونت و درگیری ادامه دهند. از این رو قید قیود ضرورت و تناسب در ماده مذکور بسیار ضروری می نماید.

## منابع

- ۱- اسلامی، رضا و کمالوند، محمد مهدی، «چالش های آزادی اجتماعات در سیستم حقوقی ایران در پرتو نظام بین المللی حقوق بشر»، مجله حقوقی بین المللی ۳۱ (۱۳۹۳): ۲۲۲-۱۸۷.
- 2- Basic Principles on the Use of Force and Firearms by Law Enforcement Officials, Adopted by the Eighth United Nations Congress on the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders, Havana, Cuba, 27 August to 7 September 1990.
- 3- CCPR/C/GC/36, General comment No. 36 (2018) on article 6 of the International Covenant on Civil and Political Rights, on the right to life.
- 4- Commentary (a) on Art. 3, 1979 Code of Conduct; and Report of the Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions, Christof Heyns, A/HRC/26/36, 1 April 2014.
- 5- Committee Against Torture, Concluding observations on the fourth periodic reports of Turkey, CAT/C/TUR/CO/4, 2 June 2016.
- 6- ECHR, Shchiborshch and Kuzmina v Russia, First Section, Judgment, 16 January 2014.
- 7- ECtHR, Bouyid v Belgium, Grand Chamber, Judgment, 28 September 2015.
- 8- ECtHR, Nachova v Bulgaria, Grand Chamber, Judgment, 6 July 2005. European Code of Police Ethics, adopted by the Committee of Ministers of the Council of Europe on 19 September 2001.
- 9- Guidelines on Freedom of Peaceful Assembly, Published by the OSCE Office for Democratic Institutions and Human Rights (ODIHR), 2010, Second Edition.
- 10- HRC/RES/31/37, OP2, Human Rights Committee, General Comment no 35 on Article 9 (Liberty and security of person), CCPR/C/GC/35, 16 December 2014, §17.

- 11- HRCtee, Concluding observations on the fifth periodic report of France, CCPR/C/FRA/CO/5, 17 August 2015, §15. Report of the Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions, Christof Heyns, A/HRC/26/36, 1 April 2014, §66.
- 12- HRCtee, Suarez de Guerrero v Colombia, Views, Comm no R.11/45, 9 April 1981, Supp No. 40 (A/37/40) at 137 (1982).
- 13- Human Rights Handbook on Policing Assemblies, OSCE Office for Democratic Institutions and Human Rights. (ODIHR) ul. Miodowa, Warsaw Poland, ISBN 8-932-9234-92-978.
- 14- IACtHR, Nadege Dorzema et al v Dominican Republic, Judgment (Merits, Reparations and Costs), 24 October 2012, §85(iii). See also N. S. Rodley with M. Pollard, *The Treatment of Prisoners under International Law*, 3rd edn, OUP, 2011.
- 15- N. S. Rodley, 'Integrity of the Person', in D. Moeckli et al (eds), *International Human Rights Law*, Oxford University Press (OUP), 2010.
- 16- Report of the Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions, Christof Heyns, A/HRC/26/36, 1 April 2014.
- 17- S. Casey-Maslen and S. Connolly, *Police Use of Force under International Law*, Cambridge University Press, forthcoming (2017), Ch. III.
- 18- Stuart Casey-Maslen, "Use of Force in Law Enforcement and the Right to Life: The Role of the Human Rights Council", Geneva Academy of International Humanitarian Law and Human Rights, November 2016.
- 19- The Basic Principles were adopted by the Eighth UN Congress on the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders, Havana, 27 August to 7 September 1990.
- 20- The 1979 Code of Conduct for Law Enforcement Officials was adopted by UN General Assembly Resolution 34/169 of 17 December 1979.
- 21- Use of Force in Law Enforcement and the Right to Life: The Role of the Human Rights Council, Geneva Academy of International Humanitarian Law and Human Rights, Geneva, 2016